

کودکان کار در خانوارهای ایران

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۲/۰۶

تاریخ تأیید: ۹۲/۰۴/۰۵

غلامرضا کشاورز حداد^۱

دانشیار علوم اقتصادی دانشگاه صنعتی شریف

محمدنقی نظریپور^۲

دانشیار اقتصاد دانشگاه مفید

محسن سیفی کفشگری^۳

کارشناس ارشد علوم اقتصادی

چکیده

کار کودکان می‌تواند نشانی از «فقر جاری» بوده و به نوبه خود یکی از عوامل پدیدآورنده «فقر آتی» و نیز استمرار سیکل بسته فقر در خانواده به حساب آید. در این پژوهش، با استفاده از داده‌های طرح درآمد و مخارج خانوارهای ایران (۱۳۸۷) عوامل درون خانواده مؤثر بر کار و تحصیل کودکان با استفاده از مدل‌های پروبیت دوگانه ارزیابی می‌گردد. نتایج نشان می‌دهد که ویژگی‌های خانوارها در شکل‌گیری این پدیده مؤثر است. به طوری که عوامل درون خانواده مؤثر بر کار کودکان در ایران می‌تواند ناشی از برخی ویژگی‌های کودک (مانند، سن، جنس، تحصیلات، درآمد) و یا متأثر از ویژگی‌های پدر و مادر کودک (مانند، تحصیلات، درآمد و ساعات کار والدین) بوده و علاوه بر آن به دلیل برخی از ویژگی‌های خانوار (مانند، شهری یا روستایی بودن) باشد.

واژگان کلیدی: کودکان کار، بازماندگی از تحصیل، مدل پروبیت دوگانه.

طبقه‌بندی موضوعی: J01, C25, O12

مقدمه

امروزه کار کودکان^۴، پدیده‌ای ناخوشایند، معضلی پرخطر و آخرین پاسخ خانواده‌ها به شرایط دشوار اقتصادی درون خانواده است. اهمیت موضوع از این جهت است که کار کودکان می‌تواند نشانی از «فقر جاری» بوده و به نوبه خود یکی از عوامل پدیدآورنده «فقر آتی» و نیز استمرار سیکل بسته فقر در خانواده به حساب آید؛ چرا که این خانواده‌ها با تغییر مسیر زندگی

1. Email: G.K.Haddad@Sharif.edu

2. Email: nazarpur@mofidu.ac.ir

3. Email: Seifi.Mohsen@Gmail.com

4. Child Labour

« نویسنده مسئول »

کودک از مدرسه به محل کار، زمینه خروج از مسیر شکل‌گیری سرمایه انسانی را به وجود می‌آورند. برخی اقتصاددانان از جمله ساینو^۱ (۲۰۰۱)، چادوری^۲ (۲۰۰۲)، ادموندز^۳ (۲۰۱۰)، لیتن^۴ (۲۰۰۳)، کروگر^۵ (۱۹۹۶) و چای‌والا^۶ (۲۰۱۰) معتقدند که کار کودکان علامتی از فقر است. این باور مورد تأیید اغلب کسانی است که بر روی این موضوع مطالعه و تحقیق نموده‌اند اما مهم‌تر این است که چرا همه خانواده‌های فقیر در پاسخ به شرایط دشوار اقتصادی دست به این کار نمی‌زنند؟ آیا به جز فقر عوامل دیگری نیز بر کار کودکان اثر می‌گذارد؟ آیا عوامل درون خانوادگی و مواردی از این قبیل در اشتغال کودکان به کار مؤثر است؟ در این پژوهش سعی بر آن داریم تا عوامل مؤثر بر احتمال اصابت کار به یک کودک را ارزیابی و متغیرهایی را که بر کار و تحصیل کودکان اثر می‌گذارند شناسایی نماییم.

بر اساس آمارهای اخیر یونسکو^۷ بالغ بر ۷۲ میلیون کودک در سن ابتدایی در سال ۲۰۰۵ دور از مدرسه قرار گرفته‌اند (United Nations, 2007). مطالعات یونسکو و یونیسف^۸ نشان می‌دهد که اگر آمار حضور در مدارس به جای نام‌نویسی، در نظر گرفته شود تعداد کودکان دور از مدرسه بیشتر از این خواهد بود (یونسکو، ۲۰۰۵). بر طبق آخرین گزارش‌ها از سازمان بین‌المللی کار^۹ (۲۰۰۶) حدود ۲۱۸ میلیون کودک بین پنج تا هفده ساله و ۱۴ درصد از میان کودکان قرار گرفته در این سن در سال ۲۰۰۴ به کار مشغول بوده‌اند. ۱۲۶ میلیون کودک نیز از این کودکان در کارهای پرخطری قرار دارند که سلامت، امنیت و تکامل جسمی و اخلاقی آن‌ها را به خطر می‌اندازد.

بر اساس آخرین آمار مربوط به کودکان کار مزدبگیر ایران که از سوی بازرسی سازمان کار و امور اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در اواخر دهه هفتاد ارائه شد، حدود یک میلیون و ۸۰۰ هزار کودک کار وجود داشته است که از میان آن‌ها ۴۰۰ هزار کودک زیر پانزده سال بوده و یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر نیز بین پانزده تا هجده سال سن داشتند (فرهنگ و پژوهش، ۱۳۸۲). بر اساس سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵ بیش از ۱۶۸۰،۰۰۰ کودک بین ده تا هجده سال جزو جمعیت فعال به شمار می‌آمدند، یعنی قریب به ۲۰ کودک ده تا هجده ساله در ایران مشغول به کار بوده‌اند و

-
1. Cigno
 2. Chaudhri
 3. Edmonds
 4. Lieten
 5. Krueger
 6. Chiwaula
 7. UNESCO: United Nations Educational Scientific and Cultural Organization
 8. UNICEF: United Nations International Children's Emergency Fund
 9. ILO: International Labour Organization

جالب‌تر آنکه، تنها حدود ۷۲/۶ کودکان در این رده سنی به تحصیل اشتغال داشته‌اند.

جدول (۱): جمعیت فعال، خانه‌دار و محصل ده تا هجده ساله در سال ۱۳۸۵

تعداد(نفر)	جمعیت ۱۰-۱۸ سال	جمعیت فعال	خانه‌دار	محصل
۱۳/۲۵۳/۶۶۵	۱/۶۸۱/۳۸۸	۹۱۵/۲۵۱	۹/۶۲۷/۹۹۳	
۱۰۰	۱۲/۷	۷/۶	۷۲/۶	

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ (مابه‌التفاوت تعداد و درصد شامل درآمد بدون کار، سایر و اظهار نشده است).

اگر چه از آمار موجود در سرشماری سال ۱۳۷۵ نمی‌توان اطلاعات دقیق و منسجمی مبنی بر اشتغال کودکان استخراج نمود، ولی اطلاعات زیر می‌تواند بیانگر تصویر وضع موجود در آن سال باشد. همان‌طور که مشاهده می‌شود در سال ۱۳۷۵، از مجموع حدود ۱۴/۵ میلیون شاغل در کشور بیش از ۴ درصد بین ده الی چهارده سال داشته‌اند.

جدول (۲): آمار جمعیت شاغل ده تا چهارده ساله در سال ۱۳۷۵

تعداد(نفر)	کل جمعیت شاغل	جمعیت فعال ۱۰ الی ۱۴ سال
۱۴/۵ میلیون نفر	حدود ۶۰۰/۰۰۰ نفر	
۱۰۰	بیش از ۴	

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵

ایجاد فاصله طبقاتی به واسطه فقیرتر شدن کودکان کاری که در سیکل فقر قرار دارند، اولین و ساده‌ترین تأثیری است که به ذهن یک فرد خطور می‌کند، اما کار کودکان دارای تأثیرات دیگری نیز هست که آشکارترین آن در کوتاه‌مدت و در سطح خانواده، افزایش درآمد خانوار می‌باشد. تمامی محققان توافق نظر دارند که «فقر» عامل اصلی کار کودک می‌باشد و این کودکان عمدتاً باعث افزایش درآمد و بقای خانواده هستند (Galli, 2001) ; (Bachman, 2001). در این زمان بقای خانواده وابسته به کار کودکان است و سرپرست خانواده صرف نظر از اینکه انجام آن کار مضر است یا مفید، در اقتصاد رسمی انجام می‌شود یا غیررسمی، به دنبال رفع خطر احتمالی و خروج از بحران است. اثر بلندمدت بر سرمایه انسانی از دیگر پیامدهای کار کودکان است. از آنجایی که کار کودکان با تحصیل و مهارت رقابت می‌کند، کودکانی که به کار فرستاده می‌شوند نمی‌توانند سرمایه انسانی کسب کنند، در نتیجه فرصت افزایش بهره‌وری و توان کارکرد آینده را از دست خواهند داد. این امر باعث کاهش دستمزد خانوارهای آینده و افزایش احتمال فرستادن

فرزندانشان به کار می‌شود. بدین سان فقر و کار کودکان نسل به نسل منتقل می‌شود (Galli, 2001). سطح پایین بهداشت به سبب تحصیلات کم، در بلندمدت به معنی کاهش سلامتی، بهره‌وری کمتر کار بزرگسالان و در نتیجه نزول رشد بلندمدت اقتصادی است. علاوه بر این، کار کودکان عرضه نیروی کار بی‌تجربه را افزایش و از این طریق نرخ دستمزد افراد بالغ را کاهش می‌دهد و بنابراین در بلندمدت کار کودکان نابرابری درآمدی را بدتر یا دائمی می‌کند. در نتیجه، نابرابری درآمدی به طور مستقیم سطح رشد اجتماعی یک کشور را کاهش می‌دهد (Benabou, 1996); (Aghion, 1999). کار کودک از طریق افزایش باروری بر رفاه خانواده نیز اثر دارد. کار کودکان باعث کاهش هزینه آشکار داشتن فرزند در نتیجه افزایش باروری (یعنی تعداد فرزندان خانوار) می‌شود. در نتیجه خانواده‌ها عرضه کار کودکان را گسترش داده و کاهش تحصیل نسل‌های آتی را باعث خواهند شد و از آنجا که بی‌سواد و فقر مالی والدین یکی از دلایل مهم باروری بالا است در نتیجه نیاز خانواده‌های پرجمعیت به درآمد کسب شده از کار کودکان همیشگی خواهد شد (Anker, 1996).

هدف ما در این پژوهش تبیین الگوی «کودک‌کار بودن» و شناسایی عوامل درون خانواده‌ای است که بر این انتخاب اثر می‌گذارد. منظور از کودک کار بودن، مشارکت کودک در فعالیت‌های اقتصادی است و انجام کارهایی چون کار تمام وقت در منزل، مفت‌کاری، بیگاری و نظیر آن‌ها مستقل از بحث این مقاله خواهد بود. کودک کار بودن در این مقاله به طور جداگانه برای مناطق روستایی و شهری مدلسازی می‌شوند. در بخش اول مقاله مروری بر ادبیات نظری و مطالعات تجربی داشته و در بخش دوم به معرفی مفاهیم مدل‌ها و معرفی متغیرهای مورد استفاده در این مدل‌ها اختصاص داده و نگاهی آماری به وضعیت کودکان و به ویژه کودکان کار در ایران داشته‌ایم. در بخش سوم یافته‌های تجربی پژوهش را بیان نموده و سرانجام در بخش آخر مقاله به بیان نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات می‌پردازیم.

۱- مروری بر ادبیات نظری و مطالعات تجربی

۱-۱- مبانی نظری

مندلویچ^۱ (۱۹۷۹) معتقد است زمینه‌هایی که یک کودک را مجبور به انجام کار

1. Mendelvich

می‌کنند، شامل عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌باشد. رجز^۱ و استندینگ^۲ (۱۹۸۱) پس از مطالعه و تحلیل و بررسی در کشورهایی با درآمد پایین، تعیین‌کننده‌های کار کودک را شامل دو دسته زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی و عوامل رفتاری خرد می‌داند. گروتاерт^۳ و کانبور^۴ (۱۹۹۵) استدلال می‌کنند که فرآیند تصمیم‌گیری خانوارها در تخصیص زمان کودک بین فعالیت‌های کاری و غیرکاری، با انجام برآورد از بازار کار در هر فعالیت همراه خواهد بود. از دیدگاه فایف^۵ (۱۹۸۹) کار کودکان صرفاً پاسخی به فرآیندهای اقتصادی نیست بلکه، کارکردهای فرهنگی کودکان را نیز منعکس می‌کند. بر این اساس، کار کودکان برخاسته از مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی - فرهنگی می‌باشد که عمیقاً با هم پیوند خورده‌اند.

بسیاری از مطالعات از جمله ساینو^۶ (۲۰۰۱)، چادوری^۷ (۲۰۰۲)، ادموندز^۸ (۲۰۱۰)، چای‌والا^۹ چای‌والا^۹ (۲۰۱۰)، لیتن^{۱۰} (۲۰۰۳)، کروگر^{۱۱} (۱۹۹۶) کار کودکان را به فقر هم در سطح خانواده و هم در سطح کشور نسبت داده‌اند. در سطح کشور، رابطه بین کار کودکان و تولید ناخالص داخلی سرانه^{۱۲} مد نظر بوده و فقر در سطح خانواده در قالب رابطه بین درآمد و کار کودک بیان می‌شود. به نوشته سیگنو و روزاتی^{۱۳} (۲۰۰۰)، خانواده‌هایی که تحت فشار نقدینگی هستند، تا زمانی که فرزندان‌شان در بازار کار قرار دارند درآمدهای خود را برای کودکان سرمایه‌گذاری نخواهند کرد زیرا که کار کودکان خود می‌تواند بیانگر وجود فشار نقدینگی در درون خانواده باشد. لایتنر^{۱۴} (۱۹۹۷)، پارسونز^{۱۵} و گلدین^{۱۶} (۱۹۸۹) و همچنین ژاکوبی^{۱۷} و اسکوفیاس^۱ (۱۹۹۷)

-
1. Rodger
 2. Standing
 3. Grootaert
 4. Kanbur
 5. Fyfe
 6. Cigno
 7. Chaudhri
 8. Edmonds
 9. Chiwaula
 10. Lieten
 11. Kruger
 12. Gross Domestic Product Per Capita
 13. Rosati
 14. Laitner
 15. Parsons
 16. Goldin
 17. Jacoby

(۱۹۹۷) نیز استدلال می‌کنند که کار کودکان می‌تواند ناشی از محدودیت دسترسی به اعتبارات باشد. برخی از پژوهشگران مانند کانبور و حداد^۲ (۱۹۹۴) در زمینه کار کودکان به نقش مادران اشاره دارند. آن‌ها معتقدند خانواده‌هایی که در آن‌ها مادران قدرت چانه‌زنی بیشتری دارد، مخارج بیشتری صرف لباس کودک و مواد غذایی شده و هزینه کمتر صرف مواد دخانی و الکل می‌شود. با این حال باسو^۳ و رای^۴ (۲۰۰۱) استدلال می‌کنند که رابطه جایگاه و منزلت مادر در خانه و بروز کار کودکان یکنواخت نیست. در واقع، آن‌ها دریافته‌اند که توازن قدرت بین پدر و مادر نسبت به خانواده‌هایی که تمام تصمیم‌گیری‌ها به تنهایی در دستان یکی از والدین متمرکز شده است، بیشتر احتمال دارد که به کاهش کار کودکان بیانجامد.

عامل دیگری که ممکن است در بروز کار کودکان نقش داشته باشد تمایل خود کودک برای کار کردن، جدا از خواسته والدین او است. در واقع بسیاری از تئوری‌های چالش‌برانگیز پیرامون کار کودکان تلاش می‌کنند تا به طور همزمان میزان کار کودکان و قدرت چانه‌زنی آن‌ها در خانواده را تعیین نمایند (Moehling, 1995); (Bourguignon, 1994); (Chiappori, 1995). در این مدل میزان قدرت چانه‌زنی کودک در خانوار به وسیله بخشی از درآمدی که وی برای خانواده تأمین می‌کند تعیین می‌شود.

برخی از پژوهشگران از جمله اسکوفیاس (۱۹۹۵)، باسو و وان (۱۹۹۸) و رانجان^۵ (۲۰۰۱) دلایل کار کودکان را ناشی از ساختار بازار کار می‌دانند. دشواری‌هایی که بنگاه‌ها در بکارگیری نیروی کار دارند، تفاوت زیاد بین دستمزد کودکان و بزرگسالان و یا دستمزد پایین بزرگسالان هر یک به گونه‌ای با ساختار بازار کار در ارتباط هستند. در یک بازار رقابتی که در آن دستمزدها انعطاف‌پذیرند، کار کودکان می‌تواند به راحتی جایگزین کار بزرگسالان شده و موجب تقویت کار کودکان شود. حال اگر در بازار کار دستمزدها انعطاف‌پذیر نباشند، به علت وجود حداقل دستمزد و تنظیم قوانین مشابه و نیز با توجه به بهره‌وری بالاتر بزرگسالان، کار کودکان پیشنهاد مناسبی برای بازار کار به حساب نمی‌آید. باسو و وان (۱۹۹۸) نشان می‌دهد که بین کار کودکان و درآمد والدین رابطه منفی وجود دارد و علی‌رغم آنکه کودکان تنها بخشی از کارایی و بهره‌وری

1 Skoufias
2. Haddad
3. Basu
4. Ray
5. Ranjan

بزرگسالان را دارند اما به راحتی می‌توانند جانشین آن‌ها در بازار کار شوند. همچنین باسو (۲۰۰۰) معتقد است اگر قانون دستمزدی بالاتر از سطح تعادلی را تعیین کند، بیکاری بزرگسالان پدیدار می‌شود، در نتیجه والدین سعی می‌کنند تا این فاصله را با درآمدی که کودکان‌شان از کار کسب می‌کنند، بپوشانند.

۲-۱- مروری بر مطالعات تجربی

مطالعات تجربی در خصوص عوامل مؤثر بر کار کودکان به دو گروه قابل تفکیک است: نخست، مطالعاتی است که به بررسی عوامل مؤثر بر احتمال اصابت کار به کودکان به ویژه در برابر تحصیل می‌پردازد و دوم، تحقیقاتی است که عوامل مؤثر بر تعداد ساعات کار یک کودک را مورد بررسی قرار داده‌اند. این پژوهش به لحاظ روش تحلیل اقتصادسنجی در طبقه مطالعات نوع اول قرار می‌گیرد.

امرسون و سوزا^۱ (۲۰۰۲) در مطالعه خود به بررسی عوامل مؤثر بر کار کودکان در کشور برزیل پرداخته‌اند. روش تخمین در این پژوهش پروبیت دوگانه^۲ بوده و احتمال حضور کودک در مدرسه یا کار تابعی از ترتیب تولد، جنس کودک بزرگ‌تر، سن کودک، نژاد کودک، تحصیلات پدر و مادر، سن والدین، و وضعیت روستایی یا شهری بودن خانواده است. در این مدل زمان کودک صرف تحصیل یا کار می‌شود. امرسون و سوزا همچنین مشاهده نمودند که احتمال اشتغال کودکان در خانواده‌هایی که بعد بزرگ‌تری دارند بیشتر است و سن مادران نیز با کار کودکان پسر رابطه منفی دارد. ادmondز^۳ و تورک^۴ (۲۰۰۲) پژوهشی را بر مبنای اطلاعات مطالعه استانداردهای زندگی در ویتنام^۵، برای سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۹۳ و ۱۹۹۷-۱۹۹۸ و با استفاده از مدل احتمال خطی^۶ انجام دادند. متغیر وابسته در این پژوهش، شاغل بودن کودکان شش تا پانزده ساله‌ای است که برای کسب درآمد کار می‌کنند. تأثیر قابل ملاحظه افزایش شاخص استانداردهای زندگی بر کاهش کار کودکان در دهه ۱۹۹۰ مهم‌ترین نتیجه این مطالعه بوده است. روبلس^۷ و آلبر^۱ (۲۰۰۰) نیز در مطالعه خود با استفاده از تکنیک

-
1. Emerson & Sovza
 2. Bivariate probit
 3. Edmonds
 4. Turk
 5. Vietnam Living Standard Survey
 6. linear probability model
 7. Robles

تکنیک حداکثر راستنمایی^۲ مدلی را به تفکیک جنسیت (دختر و پسر) و بر پایه اقتصاد خرد ارائه داد. وی در این مطالعه مشارکت نیروی کار برای کودکان بین ۱۰ تا ۱۸ سال را در نظر گرفت و از داده‌های اطلاعات اجتماعی - اقتصادی درآمد و مخارج خانوارهای مکزیکی در سال‌های ۱۹۸۴، ۱۹۸۹، ۱۹۹۲ و ۱۹۹۶ استفاده نمود. روبلس مشاهده نمود که احتمال تحصیل تمام وقت کودکان با افزایش سن آن‌ها کاهش می‌یابد و میزان این کاهش در دختران بیش از پسران است. همچنین، افزایش سال‌های تحصیل کودک احتمال تحصیل تمام وقت آن‌ها را افزایش می‌دهد. فرانکاوایلا^۳ و جینلی^۴ (۲۰۰۷) با بررسی رابطه بین کار مادران و کار کودکان در کشور هندوستان نشان می‌دهند که زمان کودک در امتداد زمان مادر قرار دارد. بنابراین تصمیم اینکه زمان کودک به چه کاری اختصاص یابد بر عهده مادر خواهد بود. پژوهشگران در این مطالعه که با استفاده از تکنیک لاجیت چند جمله‌ای^۵ انجام شد، دریافتند که حضور مادر در خانواده رفاه کودک را افزایش داده و مشخصات مادر بر تحصیل یا کار کودکان اثر قابل ملاحظه‌تری نسبت به مشخصات پدر خواهد داشت. مارشال^۶ (۱۹۲۰) نیز در پژوهش خود به رابطه بین تحصیلات آموزشی والدین و کار کودکان اشاره و به شواهدی برای تأیید آن دست یافت. پس از آن نیز پژوهشگران دیگری در این خصوص مطالعه نموده و نتایج مارشال را تأیید کردند که حداد و هُددینوت^۷ (۱۹۹۴ و ۱۹۹۵) همچنین مانسر^۸ و براون^۹ (۱۹۸۰) از جمله آنان می‌باشند. آن‌ها در مطالعات خود بر نقش تحصیلات مادران اشاره دارند و تأکید می‌کنند که توانمندسازی زنان به نفع کودکان آن‌ها خواهد بود. خانام^{۱۰} (۲۰۰۶) نیز در مطالعه‌ای به منظور شناسایی بهتر عوامل مؤثر بر کار کودکان و تحصیلات آن‌ها از داده‌های خانواده‌های روستایی بنگلادش استفاده نموده و با استفاده از مدل لاجیت چند جمله‌ای دریافت که افزایش تحصیلات والدین به شکل قابل ملاحظه‌ای تحصیل کودکانی که

-
1. Alber.
 2. Maximum Likelihood
 3. Francavilla
 4. Giannelli
 5. Multinomial logit
 6. Marshall
 7. Hoddinot
 8. Manser
 9. Brown
 10. Khanam

در سن مدرسه قرار دارند را افزایش می‌دهد.

پاترینوس^۱ و ساچاروپولوس^۲ (۱۹۹۷) نیز با استفاده از تکنیک لاجیت به بررسی اثر مهاجرت، تعداد فرزندان، نوع فعالیت فرزندان و سن آنها بر فعالیت‌های تحصیلی و غیرتحصیلی کودکان پرداختند. این مطالعه بر مبنای اطلاعات مطالعه استانداردهای زندگی در پرو برای ۱۹۹۱ می‌باشد. بچتی^۳ و تروواتو^۴ (۲۰۰۵) معتقدند که سهم جمعیت شاغل در بخش کشاورزی ممکن است با کار کودکان به طور مثبت ارتباط داشته باشد و این مسئله جدای از فقر سرمایه انسانی می‌تواند به دلیل برخی از ویژگی‌های زندگی روستایی باشد. سیگنو، رزاتی و تناتوس (۲۰۰۰) و نیز رزن زوآیگ^۵ و اورسون^۶ (۱۹۷۷) در مطالعات خود به رابطه مثبت بین اندازه مزرعه و کار کودکان اشاره می‌کنند.

۲- مفاهیم، جامعه آماری و روش تحقیق

با توجه به شرایط اقلیمی و اجتماعی، در ایران و نیز بنا بر تعریف کودک در ماده یک پیمان نامه جهانی (پیام یونسکو، ۱۳۷۲) و نیز بنا بر آنچه که در کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ آمده است (Bellamy, 1997)؛ سن آغاز به کار و پایان کودکی را هجده سال تمام در نظر می‌گیریم و کودکی را کودک کار می‌دانیم که بین ده تا هجده سال دارد و وی یا خانواده‌اش در پرسش‌نامه توزیع شده مرکز آمار ایران در بین گزینه‌های: مشغول به کار، در جستجوی کار، مشغول به تحصیل، خانه‌دار، دارای درآمد بدون کار و سایر، گزینه «مشغول به کار» یا همان «شاغل» را اظهار داشته‌اند. افرادی که کار می‌کنند، به طور عمده به دو گروه خود اشتغال (افرادی که برای خود کار می‌کنند) و مزد و حقوق‌بگیر (افرادی که در ازای کار خود مزد و حقوق می‌گیرند) تقسیم می‌شوند.

در این پژوهش با استفاده از داده‌های «اطلاعات هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی ایران در سال ۱۳۸۷ مرکز آمار ایران» یک بانک اطلاعاتی از کودکان زیر هجده سال و خانواده‌هایشان در ایران طراحی می‌کنیم که در مجموع، اطلاعات اعضای ۱۹،۸۳۵ خانواده

1. Patrinos
2. Psacharopoulos
3. Becchetti
4. Trovato
5. Rosenzweig
6. Everson

روستایی و ۱۹،۴۷۰ خانواده شهری را در بر دارد. اطلاعات مربوط به شرایط خانوادگی این کودکان روستایی و شهری ده تا هجده ساله که می‌توانند شاغل بوده یا غیرشاغل باشند، به همراه سایر متغیرهای مرتبط از میان اعضای این خانوارها استخراج می‌شود. تعداد کل کودکان ۵۱،۶۸۸ نفر است و در میان آن‌ها به ۲۷،۵۵۷ کودک ۱۰ تا ۱۸ ساله وجود دارد که ۱،۸۵۸ نفر آنان کودک کار به حساب می‌آیند.

۳- مدل پروبیت دوگانه جهت بررسی عوامل مؤثر بر کار و تحصیل کودکان

می‌توان برای کودکان به طور همزمان تنها دو نوع فعالیت متصور بود، یعنی یک کودک یا به کار مشغول است و کسب درآمد می‌کند و یا ممکن است به مدرسه برود و درس بخواند، لذا کودکان خانه‌دار، کودکان دارای درآمد بدون کار، کودکان جویای کار و سایر از مطالعه ما کنار گذاشته می‌شوند. از این رو تنها به مطالعه تخصیص زمان کودکان می‌پردازیم که به دوگانه کار، تحصیل و یا کار و تحصیل می‌پردازند. بنابراین در این چارچوب تحلیلی احتمال کودک کار شدن و نیز احتمال محصل بودن یک کودک دو متغیر وابسته می‌باشند.

متغیرهای وابسته در این بخش کودک کار یا محصل بودن می‌باشد، که متغیر وابسته برای کودک کار بودن با عدد یک و برای سایر کودکان با عدد صفر مشخص شده‌اند. همچنین کودک می‌تواند در عین حال مشغول به تحصیل هم باشد. برای مدل‌سازی احتمال وقوع حادثه کودک کار شدن و محصل بودن، تعداد قابل ملاحظه‌ای از عوامل تعیین‌کننده آن بر اساس مبانی نظری و ادبیات تجربی شناسایی می‌شوند:

جنس کودک: هر کودک ده تا هجده ساله دختر عدد صفر و برای پسران عدد یک است؛

سن کودک: تعداد سال‌های تمام شده از عمر یک کودک؛

تحصیلات کودک: اگر کودک هرگز به مدرسه نرفته باشد عدد صفر، باسواد باشد ولی ترک

تحصیل کرده باشد عدد یک و برای کودک باسواد محصل عدد دو؛

بعد خانوار: تعداد اعضای یک خانواده؛

وضعیت شهری یا روستایی بودن: محل سکونت روستائیان صفر و شهرنشینان یک؛

وضعیت تأهل کودک (نوجوان): کودکان (نوجوانان) مجرد را عدد صفر و کودکان (نوجوانان)

متأهل را عدد یک؛

تحصیلات پدر کودک: تعداد سال‌های گذرانده شده تحصیلی پدر کودک. مثلاً برای پدر

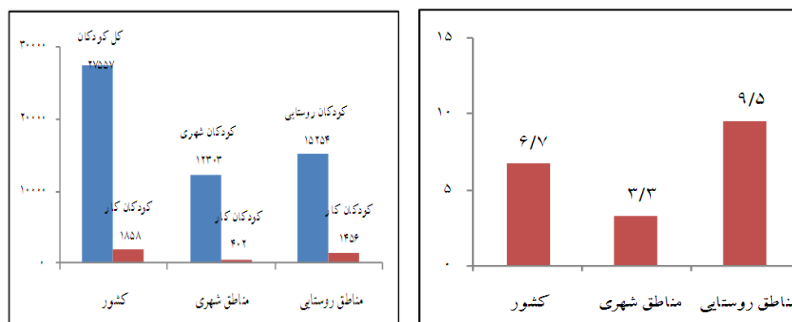
که دیپلم ریاضی دارد عدد ۱۲ و برای پدر که لیسانس دارد عدد ۱۶ وارد شده است. تحصیلات مادر کودک: تعداد سال‌های گذرانده شده تحصیلی مادر کودک تا به امروز مد نظر است. مجموع ساعات کار پدر کودک در هفته: میزان ساعات کار پدر به ازای مشاغل مزد و حقوق بگیر مختلف در یک روز، ضربدر روزهایی که وی به آن کار در طول هفته اختصاص می‌دهد؛ مجموع ساعات کار مادر کودک در هفته: میزان ساعات کار مادر به ازای مشاغل مزد و حقوق‌بگیر مختلف در یک روز، ضربدر روزهایی که به آن کار در طول هفته اختصاص می‌دهد؛ مجموع درآمدهای پدر: مجموع درآمدهای پدر به ازای مشاغل حقوق‌بگیر، آزاد و متفرقه؛ مجموع درآمدهای مادر: مجموع درآمدهای مادر به ازای مشاغل حقوق‌بگیر، آزاد و متفرقه؛

متغیرهای مجازی وضعیت سرپرستی کودک: شامل سه متغیر می‌باشد. متغیر مجازی برای کودکان دارای پدر و فاقد مادر، در این متغیر مجازی به کودکان دارای پدر و فاقد مادر عدد یک و سایر کودکان عدد صفر اختصاص یافته است. متغیر مجازی برای کودکان دارای مادر و فاقد پدر، برای کودکان در این متغیر برای کودکان دارای مادر ولی فاقد پدر عدد یک و برای سایر کودکان عدد صفر وارد شده است. متغیر مجازی برای کودکان فاقد پدر و مادر، این کودکان با عدد یک و سایر کودکان با عدد صفر وارد شده است.

۴- توصیف داده‌ها

در میان داده‌های پردازش شده ۲۷،۵۵۷ کودک بین ده الی هجده ساله که در ۱۷،۳۶۲ خانواده زندگی می‌کنند و این یعنی اینکه در هر خانواده معادل ۱/۶ کودک ده تا هجده سال وجود دارد که این خود بر اهمیت این پژوهش تأکید دارد. در میان ۲۷،۵۵۷ کودک ۴۵ شهرنشین و ۵۵ ساکن روستاها می‌باشند. هر خانواده روستایی ۱/۷ کودک و در هر خانواده شهری ۱/۵ کودک زندگی می‌کنند.

در این میان ۹/۵ کودکان روستایی در ایران جزو کودکان کار محسوب می‌شوند که این عدد برای کودکان شهری به ۳/۳ درصد می‌رسد و برای کل کشور نیز تقریباً ۶/۷ درصد کودکان ایرانی در شمار کودکان کار قرار دارند.



شکل (۱) - درصد کودکان کار در مناطق شهری و روستایی ایران

شکل (۲) - وضعیت پراکندگی کودکان کار نسبت به کل کودکان ۱۰ تا ۱۸ ساله در مناطق شهری و روستایی ایران

۴-۱- وضعیت کودکان کار در ایران به تفکیک سن

همان‌طور که در جدول (۴) ملاحظه می‌شود بیش از ۹۰ کودکان کار ده ساله و ۱۰۰ کودکان کار یازده ساله در روستاها زندگی می‌کنند. این نسبت برای کودکان دوازده، سیزده و چهارده ساله به بیش از ۸۰ می‌رسد.

جدول (۴): وضعیت کودکان کار در مناطق روستایی و شهری ایران به تفکیک سن

سن	روستایی (درصد)	شهری (درصد)
۱۰	۹۲	۸
۱۱	۱۰۰	۰
۱۲	۹۱	۹
۱۳	۸۸	۱۲
۱۴	۴۴	۵۶
۱۵	۸۲	۱۸
۱۶	۷۹	۲۱
۱۷ ساله	۷۲	۲۸

منبع: محاسبه تحقیق برگرفته از اطلاعات هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی ایران در سال ۱۳۸۷ مرکز آمار ایران

جدول (۵): وضعیت کودکان کار در مناطق روستایی و شهری ایران به تفکیک جنسیت

روستا	مجموع کودکان کار (نفر)	پسر		دختر	
		تعداد (نفر)	درصد	تعداد (نفر)	درصد
روستا	۱۴۵۶	۱۱۱۸	۷۷	۳۳۸	۲۳

شهر	۴۰۲	۳۶۸	۹۲	۳۴	۸
کل	۱۸۵۸	۱۴۸۶	۸۰	۳۷۲	۲۰

منبع: محاسبه تحقیق برگرفته از اطلاعات هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی ایران در سال ۱۳۸۷ مرکز آمار ایران

۴-۲- وضعیت کودکان کار در ایران به تفکیک جنسیت

مطابق با جدول (۵)، کودکان کار پسر در مناطق روستایی و شهری به شکل قابل ملاحظه‌ای بیش از دختران است؛ چرا که ما فعالیت‌های خانه‌داری را جزئی از کار کودکان به حساب نیاورده‌ایم. جهت روشن تر شدن موضوع، کلیه فعالیت‌هایی که کودکان ایرانی می‌توانند به آن اشتغال داشته باشند را نیز بیان می‌نماییم (قسمت ۴-۳ را ملاحظه کنید).

۴-۳- وضعیت فعالیت کودکان در ایران

جدول (۶) نشان می‌دهد که تقریباً ۳/۵ درصد کودکان شهری خانه‌دار هستند و به این علت به تحصیل نمی‌پردازند، که نزدیک به ۹۸ این افراد دختر می‌باشند. این در حالی است که ۳ درصد کودکان شهری ایران در این سنین کارگر هستند. نزدیک به ۲ درصد از این کودکان نیز جویای کارند و هر لحظه ممکن است با یافتن یک شغل به جرگه کودکان کار بپیوندند. ۲ درصد هم که با کلمه سایر نمایش داده شده‌اند یعنی افرادی که هیچ‌یک از وضعیت‌های یاد شده را نداشته‌اند (مانند افرادی که برای شرکت در کنکور آماده می‌شوند و ...). همچنین در جدول (۷) مشاهده می‌شود که بیش از ۹/۵ درصد کودکان روستایی خانه‌دارند که تقریباً ۹۹ درصد آن‌ها دخترند. این در حالی است که ۹ درصد کودکان روستایی شاغل در شمار کودکان کار قرار می‌گیرند. در ایران حدود ۲۰ درصد از کودکان بین ده تا هجده ساله بنا به دلایلی دست از تحصیل کشیده‌اند. یا به عبارت دیگر ۱۲ درصد کودکان بین ده تا هجده سال در مناطق شهری و ۲۶ درصد از این کودکان در مناطق روستایی ترک تحصیل کرده‌اند.

جدول (۶): وضعیت فعالیت کودکان ده تا هجده ساله در مناطق شهری و روستایی ایران به

تفکیک جنسیت

نوع فعالیت	مناطق شهری		مناطق روستایی	
	پسر(درصد)	دختر (درصد)	پسر(درصد)	دختر(درصد)
شاغل	۹۲	۸	۷۷	۲۳
به دنبال کار	۸۲	۱۸	۷۸	۲۲
دارای درآمد بدون کار	۷۵	۲۵	۵۱	۴۹

محصل	۴۸	۵۲	۴۶	۵۴
خانه‌دار	۹۸	۲	۹۹	۱
سایر	۴۴	۵۶	۴۹	۵۱
مجموع	۴۸	۵۲	۴۸	۵۲

منبع: محاسبه تحقیق برگرفته از اطلاعات هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی ایران در سال ۱۳۸۷ مرکز آمار ایران

۴-۴- وضعیت سواد کودکان در ایران

جداول (۸) و (۹) نشان می‌دهد که تمامی کودکان خانه‌دار دست از تحصیل کشیده‌اند و دوازده نفر از آن‌ها هرگز به مدرسه نرفته‌اند. آمار ترک تحصیل برای کودکان کار حدود ۷۸ می‌باشد که نه نفر از آن‌ها هرگز به مدرسه نرفته و کاملاً بی‌سوادند و ۶۹ دیگر ترک تحصیل کرده‌اند.

جدول (۸): وضعیت سواد کودکان کار در ایران

درصد	با سواد ولی ترک تحصیل (نفر)	درصد	بی سواد (نفر)	کودکان کار (نفر)	درصد
۶۸/۶	۲۷۴	۹/۴	۳۸	۴۰۲	شهری
۶۹/۴	۱۰۱۰	۸/۳	۱۲۱	۱۴۵۶	روستایی
۶۹/۱	۱۲۸۴	۸/۶	۱۵۹	۱۸۵۸	مجموع

منبع: محاسبه تحقیق برگرفته از اطلاعات هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی ایران در سال ۱۳۸۷ مرکز آمار ایران

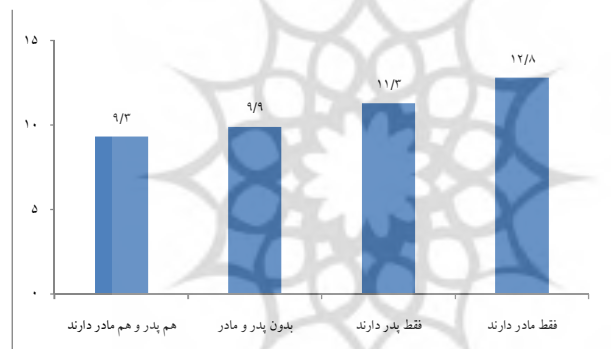
جدول (۹): وضعیت اشتغال به تحصیل کودکان ده تا هجده ساله شهری و روستایی ایران به تفکیک جنسیت

	روستایی		شهری		مجموع (نفر)		
	دختر (نفر)	پسر (نفر)	دختر (نفر)	پسر (نفر)	شهری (نفر)	روستایی (نفر)	
مجموع کودکان ۱۰ تا ۱۸ سال	۷۳۷۷	۷۸۷۷	۵۸۹۷	۶۴۰۶	۱۲۳۰۳	۲۷۵۵۷	۱۵۲۴۵
کودکان ۱۰ تا ۱۸ سال محصل	۵۲۱۸	۶۰۳۵	۵۲۶۵	۵۶۱۹	۱۰۸۸۴	۲۲۱۳۷	۱۱۲۵۳
درصد	۷۱	۷۷	۸۹	۸۸	۸۸	۸۰	۷۴

منبع: محاسبه تحقیق برگرفته از اطلاعات هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی ایران در سال

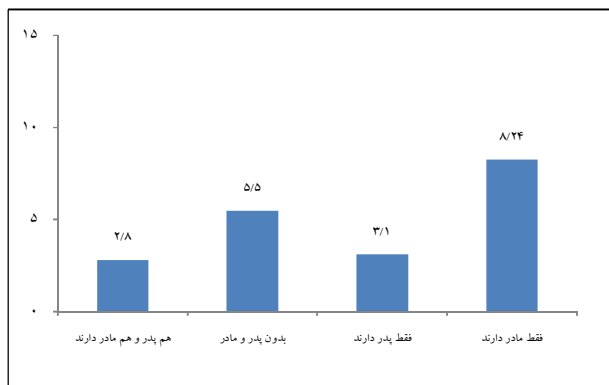
۴-۵- وضعیت سرپرستی کودکان در ایران

کودکان ده تا هجده ساله ایرانی از لحاظ وضعیت سرپرستی به چهار دسته تقسیم می‌شوند: ۱- کودکانی که هم پدر و هم مادر دارند؛ ۲- کودکانی که پدر دارند ولی مادر ندارند؛ ۳- کودکانی که مادر داشته ولی پدر ندارند؛ ۴- کودکانی که فاقد مادرند. از مشاهدات بر می‌آید که نزدیک به سیزده نفر از کودکان ایرانی که فاقد پدر هستند، تبدیل به کودک کار شده‌اند، در حالی که تنها ۹/۳٪ از کودکان دارای پدر و مادر دچار این معضل‌اند. نکته دیگر آنکه ۳۴/۳ درصد از کودکان تک‌سرپرست کودک کارند و این آمار حتی به مراتب بیش از کودکان کار بی‌سرپرست می‌باشد. چرا که تنها ۹/۹ درصد کودکان بی‌سرپرست کودک کار هستند.



شکل (۶)- درصد کودکان کار بر حسب وضعیت سرپرستی در روستاهای ایران^۱

۱. منبع: محاسبه تحقیق برگرفته از اطلاعات هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی ایران در سال ۱۳۸۷ مرکز آمار ایران



شکل (۷) - درصد کودکان کار بر حسب وضعیت سرپرستی در شهرهای ایران^۱

۲-۸- وضعیت سواد والدین کودکان کار در ایران

جدول (۱۰) نشان می‌دهد که کودکان کار عموماً مادران بی‌سوادی دارند؛ چرا که حدود ۶۹٪ از این مادران بی‌سوادند. در صورتی که این آمار برای پدران آن‌ها حدود ۵۰٪ است. در میان کودکان شهری ۵۶ نفر از مادران و ۴۴ از پدران بی‌سوادند. تعداد کودکان کاری که دارای پدر و مادرند در روستاها نزدیک به ۴۷ پدر و مادر بی‌سواد دارند که این عدد برای کودکان شهری معادل ۳۹٪ است.

جدول (۱۰): وضعیت سواد والدین کودکان کار به تفکیک مناطق شهری و روستایی ایران

	مناطق روستایی			مناطق شهری		
	تعداد (نفر)	پدر بی‌سواد (نفر)	مادر بی‌سواد (نفر)	تعداد (نفر)	پدر بی‌سواد (نفر)	مادر بی‌سواد (نفر)
فقط پدر دارند	۱۶	۱۲	مادر ندارند	۳	۲	مادر ندارند
فقط مادر دارند	۱۲۲	پدر ندارند	۹۶	۶۰	پدر ندارند	۴۲
پدر و مادر دارند	۱۲۵۴	۶۵۱	۸۹۷	۳۱۵	۱۴۶	۱۸۱
مجموع	۱۴۵۶	۶۶۳	۹۹۳	۴۰۲	۱۴۸	۲۲۳

۱. منبع: محاسبه تحقیق برگرفته از اطلاعات هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی ایران در سال ۱۳۸۷ مرکز آمار ایران

منبع: محاسبه تحقیق برگرفته از اطلاعات هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی ایران در سال ۱۳۸۷ مرکز آمار ایران

۵- عوامل مؤثر بر کار و تحصیل کودک

نتایج مدل به کار رفته در این پژوهش (یعنی پروبیت دو متغیره) برای دو گروه سنی کودکان زیر چهارده و زیر هفده سال در ۶ وضعیت مجزا در جدول شماره (۱۱) آمده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود متغیرهای «جنس کودک»، «سن کودک»، «اندازه خانوار»، «وضعیت تأهل» و «مجموع ساعات کار مادر کودک در هفته» در مناطق شهری، روستایی و نیز در کل کشور با احتمال کار کودکان (در هر دو گروه زیر چهارده و زیر هفده سال) علیت معنی‌دار مثبت دارند. یعنی «پسر بودن»، «سن بیشتر کودک»، «متأهل بودن» و «زندگی در خانواده‌های پرجمعیت‌تر» و «نیز ساعات کار بیشتر مادر» سبب می‌شوند تا کودک با احتمال بیشتری به کودک کار تبدیل شده و به کار کردن روی آورد. پیرامون «مجموع ساعات کار مادر» به نتایجی کاملاً مشابه با مشاهدات رأی (۱۹۹۹) دست یافتیم. وی در بررسی‌های خود برای کودکان پرویی و پاکستانی نشان داده بود که افزایش ساعات کار بازاری مادر، کار کودک را افزایش می‌دهد و تأکید نمود که منظور از کار، کار خانگی نبوده بلکه کار اقتصادی و بازاری مد نظر اوست. ما نیز دریافتیم که «مجموع ساعات کار مادر» در تمامی مشخص‌نمایی‌ها معنی‌دار بوده و با کار کودک ارتباط معنی‌دار و مثبت دارد. در واقع مشاهدات ما بیانگر آن است که کار کودک و کار مادر مکمل یکدیگر هستند، ولی هر دوی آن‌ها برای کار پدر نوعی جانشین به حساب می‌آیند. همچنین نتایج به دست آمده توسط این تحقیق با مشاهدات فرانک‌اویلا و جینلی (۲۰۰۷) نیز همسو است. «مجموع ساعات کار پدر کودک» در مناطق روستایی و نیز در مجموع کشور از عوامل بازدارنده کار کودکان به حساب می‌آید. یعنی اینکه هر چه پدر خانواده بیشتر کار کند به واسطه کسب درآمد بیشتری از احتمال کار کودکان کم می‌شود. اما در مناطق شهری، به دلیل عدم توزیع یکنواخت مشاغل و درآمدهای ناشی از آن به طور احتمال این گونه نیست. یعنی در شهر حرفه‌هایی وجود دارد که حتی با صرف زمان کم می‌تواند درآمد مناسبی داشته باشد و یا بالعکس، یعنی ممکن است فردی با صرف زمان زیاد و از روی ناچاری به درآمد کم راضی شود. در مقابل در روستاها عموماً توزیع عایدی مشاغل یکنواخت‌تر می‌باشد و تأهل یا همان «وضعیت تأهل کودک (نوجوان)»، همچنین به واسطه تعهد و بار مالی که ایجاد می‌کند بر کار کودک می‌افزاید.

اثر متغیر مجازی «سرپرستی مادر» یا همان فقدان پدر تنها برای کودکان زیر هفده سال در کشور و کودکان زیر هفده سال شهری مثبت است که این مسئله بیانگر اهمیت نقش پدر در خانواده از نظر تأمین مالی می‌باشد. همچنین معنی‌دار نبودن این متغیر برای کودکان زیر هفده سال روستایی و کودکان زیر چهارده سال بدان معناست که این مادران زمانی کودکان خود را برای کسب درآمد به عنوان جانشین کار پدر وارد بازار کار می‌کنند که احساس کنند کودکان‌شان بزرگ شده‌اند. همچنین مادران روستایی به واسطه وجود جانشین‌های دیگری برای کار پدر (مانند زمین کشاورزی، دام و ...) تمایلی به کار کودکان خود (چه زیر چهارده سال و چه زیر هفده سال) ندارند و این یعنی در شهرها کار کودکان راحت‌تر جایگزین کار پدران می‌شوند.

جدول (۱۱): نتایج مدل پروبیت دوگانه جهت بررسی عوامل مؤثر بر احتمال کار کودک در

شرایط کار و تحصیل

	زیر ۱۷ سال کلی	زیر ۱۷ سال شهری	زیر ۱۷ سال روستایی	زیر ۱۴ سال کلی	زیر ۱۴ سال شهری	زیر ۱۴ سال روستایی
جنسیت	0.68 (20.36)**	1.17 (13.88)**	0.55 (14.89)**	0.44 (7.88)**	1.06 (5.28)**	0.35 (5.80)**
جنس	0.28108 (33.76)**	0.31659 (16.43)**	0.27493 (29.48)**	0.29125 (13.47)**	0.42039 (6.39)**	0.27395 (11.80)**
اندازه خانوار	2.96E-02 (4.00)**	4.59E-02 (3.01)**	2.08E-02 (2.50)*	4.32E-02 (3.43)**	4.96E-02 (1.66)	3.87E-02 (2.80)**
تأهل	0.79 (7.11)**	0.67 (2.68)**	0.88 (6.87)**	1.22 (4.93)**	1.31 (2.10)*	1.24 (4.81)**
تحصیلات پدر	-0.05 (9.23)**	-0.07 (6.76)**	-0.04 (6.25)**	-0.03 (3.03)**		-0.03 (2.70)**
تحصیلات مادر	-0.05 (7.04)**	-0.05 (4.26)**	-0.05 (5.50)**	-0.05 (4.47)**	-0.09 (4.61)**	-0.05 (3.38)**
ساعات کار پدر	0 (2.64)**		0 (4.41)**	0 (2.82)**		0 (3.42)**
ساعات کار مادر	0.02 (16.97)**	0.02 (6.44)**	0.02 (15.99)**	0.02 (12.58)**	0.01 (2.48)*	0.02 (12.50)**
درآمد پدر	0 (5.61)**	0 (3.50)**	0 (4.38)**	0 (2.17)*	0 (4.32)**	
درآمد مادر	0 (5.25)**	0 (2.98)**	0 (4.69)**	0 (2.22)*		0 (1.89)
حضور والدین	0.14 (2.05)*	0.33 (2.69)**				
شهری یا روستایی بودن	-0.38 (11.07)**			-0.38 (5.76)**		
Constant	-5.68 (39.85)**	-7.14 (20.96)**	-5.41 (34.32)**	-5.78 (19.08)**	-8.45 (9.01)**	-5.5 (16.87)**
جنس	-0.6 (17.08)**	-1.12 (13.07)**	-0.47 (12.42)**	-0.33 (5.31)**	-1.04 (4.04)**	-0.24 (3.56)**
سن	-0.29627 (31.53)**	-0.343 (15.66)**	-0.28879 (27.50)**	-0.31846 (12.27)**	-0.4799 (6.51)**	-0.29643 (11.39)**
اندازه خانوار	-3.87E-02	-4.83E-02	-3.40E-02	-6.00E-02	-1.09E-01	-5.84E-02

کار کودک

تحصیل

(4.01)**	(3.45)**	(4.38)**	(4.07)**	(3.13)**	(5.07)**		
-1.28 (4.96)**		-1.2 (4.50)**	-0.86 (6.67)**	-0.73 (2.90)**	-0.8 (7.05)**	تأهل	
0.08 (5.15)**		0.07 (5.75)**	0.07 (8.69)**	0.08 (6.94)**	0.07 (10.89)**	تحصیلات پدر	
0.05 (2.66)**	0.12 (4.85)**	0.06 (3.45)**	0.05 (4.94)**	0.06 (4.63)**	0.05 (6.45)**	تحصیلات مادر	
0 (3.07)**		0 (2.78)**	0 (4.08)**	0 (3.39)**	0 (1.93)	ساعات کار پدر	
-0.02 (9.78)**	-0.01 (2.98)**	-0.02 (9.67)**	-0.02 (13.64)**	-0.01 (4.70)**	-0.01 (13.98)**	ساعات کار مادر	
			0 (3.95)**	0 (2.04)**	0 (4.91)**	درآمد پدر	
0 (1.7)		0 (2.54)**	0 (5.80)**	0 (3.20)**	0 (6.17)**	درآمد مادر	
			-0.06 (3.08)**	-0.3 (2.24)**	-0.19 (2.60)**	حضور والدین	
		0.38 (4.95)**			0.35 (9.46)**	شهری یا روستایی بودن	
5.97 (15.80)**	9.98 (9.44)**	6.32 (17.18)**	5.78 (32.80)**	7.63 (19.72)**	6.06 (37.73)**	Constant	
				0.1 (1.91)		متغیر مجازی حضور پدر	
-0.22 (4.48)**						متغیر مجازی حضور مادر	
-15.66 (0.03)	-15.13 (0.02)	-9.82 (0.05)	-15.63 (0.02)	-12.84 (0.03)	-3.92 (8.75)**	Constant	athrho
7,780	6,540	14,320	12,739	11,308	24,047		N

* $p < 0.05$; ** $p < 0.01$

(اعداد داخل پرانتز قدر مطلق t می باشد)

منبع: محاسبه تحقیق برگرفته از اطلاعات هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی ایران در سال ۱۳۸۷ مرکز آمار ایران

«تحصیلات پدر»، «تحصیلات مادر»، «مجموع درآمدهای پدر» و «مجموع درآمدهای مادر» در محیطهای شهری و روستایی و نیز در کل کشور جزو عوامل مؤثر بازدارنده کار کودکان در هر دو گروه مورد بررسی به حساب می آیند. «شهری یا روستایی بودن خانواده» متغیری است که فقط جهت بررسی کودکان در سطح کشور لحاظ شد و مشاهده گردید که به شکل منفی معنی دار می باشد، یعنی زندگی در روستا و «روستایی بودن» خود یک عامل مؤثر جهت احتمال اصابت کار به کودکان می باشد. این نتیجه مشابه یافته های بسیاری از مطالعات دیگر است. بچتی و تروواتو (۲۰۰۵)، نشان می دهند که زندگی در روستایی، جدا از مقوله درآمد، سواد و فرهنگ خود عامل کار کودک است که از ویژگی های زندگی در روستا برمی خیزد. ادموندز

و تورک (۲۰۰۲) نیز در پژوهش خود مشاهده کردند که کار کودکان در روستا بیشتر از محیط‌های شهری رایج است. رای (۱۹۹۹) هم با بررسی داده‌هایی از پرو و پاکستان استدلال نمود که کودکان شهری کمتر از کودکان روستایی کار می‌کنند.

همان‌طور که اشاره شد «تحصیلات مادر» و «تحصیلات پدر» هر دو در شمار عوامل بازدارنده مؤثر در کار کودکان است، اما میزان اثرگذاری تحصیلات مادران بر جلوگیری از احتمال کودک کار شدن فرزندان به مراتب مؤثرتر و فراگیرتر از نقش پدر خانواده می‌باشد. در این شرایط اگر مادران باسوادتر باشد، می‌توانند بیشتر و جدی‌تر مانع از کار کودکان خود شوند، که بیانگر اهمیت تحصیلات زنان و نقش مؤثرتر زنان باسواد در توسعه اجتماعی و افزایش رفاه است. مشاهده می‌شود که «تحصیلات مادر» در تمامی مدل‌ها و در همه شرایط بر کار کودکان اثر گذاشته با آن رابطه منفی دارد. مارشال^۱ (۱۹۲۰)، مانسر و براون^۲ (۱۹۸۰)، حداد و هُددینوت^۳ (۱۹۹۴ و ۱۹۹۵) در مطالعات خود بر توانمندسازی زنان تأکید و این نکته را نیز تأیید کردند. فولبر^۴ (۱۹۹۶) و ازوارن^۵ (۲۰۰۱) اثر قوی‌تر تحصیلات مادران بر کار کودک را تأیید و ناشی از این می‌دانند که مادر بیش از پدر از کودک مراقبت کرده و با او سروکار دارد. رزاتی و تنانوس (۲۰۰۰) نیز بر اهمیت این نکته در پژوهش‌های خود تأکید می‌کنند. کامباماتی و راجان (۲۰۰۴) و دایوقلو و اسد (۲۰۰۰) حتی بیان می‌دارند که تحصیلات مادر تنها عامل کاهش کار کودکان بوده و حتی از کار یا دستمزد مادر مهم‌تر خواهد بود. «تحصیلات پدر» نیز در اغلب گروه‌های مورد بررسی، اثری همانند اثر تحصیلات مادر را داشت. این نتایج با مشاهدات رای (۱۹۹۹) که اثر تحصیلات پدر و مادر را بر کار کودکان مؤثر می‌داند و نیز نظر روجرز و استندینگ (۱۹۸۱) مطابقت دارد. معنی‌دار بودن تحصیلات مادر حتی در روستاها می‌تواند بیانگر این نکته باشد که در خانواده‌ها عموماً مادر توجهات تحصیلی بیشتری دارد و اگر در خانواده‌ای مادر صاحب جایگاه برتر یا از قدرت چانه‌زنی بالاتری برخوردار باشد می‌تواند عامل مهمی در کاهش کار کودکان به حساب آید. کانبور و حداد (۱۹۹۴) و باسو (۲۰۰۱) پس از تحقیقات خود در این زمینه استدلال کردند که جایگاه و منزلت مادر در خانه و بروز کار کودکان یکنواخت نیست و این مسئله تا حدودی نتایج و یافته‌های ما را تأیید می‌کند. رای (۱۹۹۹) نیز در مطالعه خود نتایجی همانند مطالعه ما را مشاهده نمود. رای دریافت که

-
1. Marshall
 2. Manser and Brown
 3. Hoddinot
 4. Folber
 5. Eswaran

میزان تحصیلات پدر و مادر بر روی عرضه کار کودکان در پرو و پاکستان تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته و کودکان پرویی به دلیل آنکه دارای والدین با سوادتری هستند کمتر تحت تأثیر فقر قرار می‌گیرند. خانام^۱ (۲۰۰۶) نیز در مطالعه‌ای دریافت که افزایش تحصیلات والدین به شکل قابل ملاحظه‌ای تحصیل کودکانی که در سن مدرسه قرار دارند را افزایش خواهد داد.

همچنین همان‌طور که از جدول فوق مشاهده می‌شود «ساعات کار پدر» نیز در کل کشور و مناطق روستایی (برای هر دو گروه زیر چهارده سال و زیر هفده سال) معنی‌دار می‌باشد. یعنی در کل این گونه می‌توان برداشت کرد که هر چه پدر ساعات بیشتری کار کند، ممکن است از کار کودک وی بکاهد و کار با احتمال کمتری به کودک اصابت نماید. اما در شهرها بی‌معنی بودن «مجموع ساعات کار پدر» در مناطق شهری می‌تواند به دلیل عدم توزیع یکنواخت مشاغل و درآمدهای ناشی از آن باشد. یعنی در شهر حرفه‌هایی وجود دارد که با حتی با صرف زمان کم می‌تواند درآمد مناسبی داشته باشد و یا بالعکس، یعنی ممکن است فردی با صرف زمان زیاد و از روی ناچاری به درآمد کم راضی شود. در مقابل در روستاها عموماً توزیع عایدی مشاغل یکنواخت‌تر می‌باشد.

همان‌طور که در جدول (۱۲) مشاهده می‌شود متغیرهای «جنس کودک»، «سن کودک»، «اندازه خانوار»، «وضعیت تأهل» و «مجموع ساعات کار مادر کودک در هفته» علاوه بر آنکه با کار کودک ارتباط مستقیم دارند، در احتمال ترک تحصیل کودک نیز مؤثرند. یعنی این عوامل جزو عوامل بازدارنده تحصیل کودک به حساب می‌آیند و متغیرهایی مانند، «تحصیلات پدر»، «تحصیلات مادر»، «درآمد پدر»، «درآمد مادر»، «ساعات کار پدر» و «شهری بودن» بر افزایش احتمال حضور کودک در مدرسه مؤثر می‌باشند. همان‌طور که در قسمت قبل مشاهده شد، اینکه عوامل جزو عوامل بازدارنده کار کودک به حساب می‌آیند در این قسمت و بر طبق مشاهدات جدول (۱۲) جزو عوامل مؤثر در تحصیل نیز محسوب می‌شوند. لذا هر چه درآمد و تحصیلات والدین بیشتر باشد، کودک با احتمال کمتری کار خواهد کرد و به احتمال بیشتر به تحصیل خواهد پرداخت. افزایش ساعات کار پدر نیز احتمالاً به دلیل اینکه با افزایش درآمد همراه است، همین اثر را خواهد داشت. مطابق با نتایج به دست آمده در این بخش زندگی یک خانواده در شهر نیز می‌تواند اثری مشابه با اثرات فوق را دارا باشد.

۶- محاسبه اثرات نهایی

اثرات نهایی احتمال مشترک اصابت کار و تحصیل $P(y_1, y_2, x_1, x_2)$ به صورت زیر

محاسبه می‌شود:

$$d(y_1, y_2, x_1, x_2) = \partial P(\text{work} = y_1, \text{school} = y_2 | x_1, x_2) / \partial w$$

در این صورت برای مدل پروبیت دوگانه y_1, y_2 با چهار حالت $(0,0)$ ، $(0,1)$ ، $(1,0)$ و $(1,1)$ مواجه خواهیم بود. در عبارت بالا $d(\cdot)$ مشتق جزئی توزیع احتمال دو متغیره نسبت به متغیرهای $w = (x_1, x_2)$ بوده و اثر نهایی تغییر در احتمال را نسبت به هر یک از متغیرهای توضیحی نشان می‌دهد.

تحلیل اثرات نهایی برای این مشاهدات نشان می‌دهد که پسر بودن سبب می‌شود تا کودک با احتمال بیشتری کار را جایگزین تحصیل نماید و این اتفاق برای کودکان زیر هفده سال و نسبت به کودکان زیر چهارده سال با احتمال قوی‌تری رخ می‌دهد. همچنین کودکان روستایی با احتمال بیشتری نسبت به دیگر کودکان، کار را جایگزین درس می‌نمایند. افزایش سن و اندازه خانواده کودک هم برای هر دو دسته مورد مطالعه، دقیقاً تحلیلی مشابه با مورد فوق دارد؛ یعنی با افزایش سن و یا افزایش اندازه خانواده کودک احتمال جانشینی کار بجای تحصیل افزایش می‌یابد و این اتفاق برای روستاها با احتمال بیشتری رخ خواهد داد. با تحلیل اثرات نهایی مشاهده می‌شود با افزایش تحصیلات پدر و مادر برای هر دو گروه سنی و در شهرها و روستاها، کودکان با احتمال‌های مختلف تحصیل را جایگزین کار می‌کنند و با احتمال درس می‌خوانند. با افزایش ساعات کار مادر احتمال کار کردن کودک افزایش می‌یابد ولی با افزایش کار پدر احتمال درس خواندن به جای کار کردن افزایش پیدا می‌کند. این خود نشان‌دهنده آن است که (کار مادر و کودک) مکمل یکدیگر و هر دو جانشین (کار پدر) می‌باشند. با بیشتر شدن درآمد پدر و مادر احتمال جانشینی تحصیل کودکان در خانواده‌ها به جای کار کردن افزایش می‌یابد. زندگی در روستا و تأهل احتمال کار کودک به جای تحصیل را افزایش می‌دهد. جزئیات اثرات نهایی محاسبه شده در جداول (۱۲) و (۱۳) آورده می‌شود.

جدول (۱۲): اثرات نهایی عوامل مؤثر بر احتمال کار کودک در شرایط کار و تحصیل برای کودکان تا ۱۷ سال

زیر ۱۷ سال روستایی		زیر ۱۷ سال شهری		زیر ۱۷ سال کلی		
P10	P01	P10	P01	P10	P01	
-۰/۰۳۳۴	-۰/۰۵۸۲	-۰/۰۰۶۱	-۰/۰۱۲۵	۰/۰۱۷۳	-۰/۰۳۲۵	جنس
-۰/۰۲۱۰	-۰/۰۳۹۹	۰/۰۰۱۴	-۰/۰۰۲۶	۰/۰۰۸۶	-۰/۰۱۳۵	سن
-۰/۰۰۲۵	-۰/۰۰۲۳	۰/۰۰۰۲	-۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۱۱	-۰/۰۰۱۴	اندازه خانوار
-۰/۱۲۸۷	-۰/۱۷۶۵	-۰/۰۰۹۴	-۰/۰۱۴۴	۰/۰۵۶۰	-۰/۰۸۲۲	تاهل
-۰/۰۰۴۹	۰/۰۰۴۶	-۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۶	-۰/۰۰۲۰	۰/۰۰۲۵	تحصیلات پدر
-۰/۰۰۳۴	۰/۰۰۵۲	-۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۴	-۰/۰۰۱۴	۰/۰۰۲۳	تحصیلات مادر
-۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۱	ساعات کار پدر
۰/۰۰۱۱	-۰/۰۰۱۸	۰/۰۰۰۱	-۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۴	-۰/۰۰۰۸	ساعات کار مادر

کودکان کار در خانوارهای ایران ۷۳

درآمد پدر	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
درآمد مادر	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
شهری یا روستایی	۰/۰۱۸۳	-۰/۰۱۰۰	تعریف نمی شود	تعریف نمی شود	تعریف نمی شود	تعریف نمی شود
متغیر مجازی حضور والدین			۰/۰۰۰۰	-۰/۰۰۰۵		
متغیر مجازی حضور مادر	-۰/۰۰۷۸	۰/۰۰۶۷	-۰/۰۰۴۲	۰/۰۰۱۹	۰/۰۰۰۰	-۰/۰۰۴۹

منبع: محاسبه تحقیق بر گرفته از اطلاعات هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی ایران در سال ۱۳۸۷ مرکز آمار ایران

جدول (۱۳): اثرات نهایی عوامل مؤثر بر احتمال کار کودک در شرایط کار و تحصیل برای کودکان تا ۱۴ سال

زیر ۱۴ سال کلی		زیر ۱۴ سال شهری		زیر ۱۴ سال روستایی		
P(10)	P(01)	P(10)	P(01)	P(10)	P(01)	
۰/۰۰۲۴	-۰/۰۰۸۷	۰/۰۰۰۷	-۰/۰۰۲۶	۰/۰۰۵۵	-۰/۰۱۷۱	جنس
۰/۰۰۲۳	-۰/۰۰۵۸	۰/۰۰۰۲	-۰/۰۰۰۷	۰/۰۰۷۰	-۰/۰۱۳۶	سن
۰/۰۰۰۴	-۰/۰۰۰۹	۰/۰۰۰۰	-۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۱۴	-۰/۰۰۱۹	اندازه خانوار
۰/۰۰۴۸۶	-۰/۱۰۱۵	۰/۰۰۰۰	-۰/۰۰۲۳۲	۰/۱۲۶۴	-۰/۱۸۸۹	تأهل
-۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۰۶			-۰/۰۰۱۸	۰/۰۰۱۵	تحصیلات پدر
-۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۱۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۲	-۰/۰۰۱۲	۰/۰۰۲۴	تحصیلات مادر
۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۱			-۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۲	ساعات کار پدر
۰/۰۰۰۱	-۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۴	-۰/۰۰۱۰	ساعات کار مادر
۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰			درآمد پدر
۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰			۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	درآمد مادر
۰/۰۰۲۷	۰/۰۰۷۵	تعریف نمی شود	تعریف نمی شود	تعریف نمی شود	تعریف نمی شود	شهری یا روستایی
				۰/۰۰۶۶	۰/۰۰۰۰	متغیر مجازی حضور پدر

منبع: محاسبه تحقیق بر گرفته از اطلاعات هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی ایران در سال ۱۳۸۷ مرکز آمار ایران

نتیجه گیری

در این مطالعه اثر متغیرهای توضیحی را در قالب مدل پروبیت دوگانه کار و تحصیل کودکان در هر خانوار، بر کار کودکان ارزیابی نمودیم. از آنجاکه کار کودکان به شکل تمام وقت در خانه ریشه‌ها و دلایلی نسبتاً متفاوت در مقایسه با کار اقتصادی کودکان دارد و بکارگیری توأم آن‌ها در یک مدل ممکن است، به نتایج غیردقیق و گمراه‌کننده منجر شود. در این مطالعه عوامل مؤثر بر کار بازاری کودکان مورد بررسی قرار گرفت و مشاهده شد که عوامل مؤثر بر کار کودکان برخاسته از مجموعه مشخصات کودک (جنس، سن، تحصیل، درآمد کودک، وضعیت تأهل کودک)، ویژگی‌های پدر و مادر (مجموع درآمدهای پدر، مجموع درآمدهای مادر، مجموع ساعات کار پدر در هفته، مجموع ساعات کار مادر در هفته، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر) و شرایط خانوار (شهری یا روستایی بودن خانواده، بعد خانواده، تعداد کودکان در خانواده و وضعیت سرپرستی خانوار) می‌باشد. ارتباط منفی متغیرهای «مجموع درآمدهای پدر» و «مجموع درآمدهای مادر» به معنی این است که اگر درآمد پدر یا مادر افزایش یابد، احتمال اصابت کار به کودک یا به عبارت دیگر افزایش درآمد والدین عرضه کار کودک را کاهش خواهد داد. در بررسی‌های ما بر روی این مدل که به تفکیک

مناطق شهری و روستایی و برای دو گروه سنی زیر چهارده و هفده سال انجام شد، ملاحظه گردید که این متغیرها در مناطق روستایی و شهری رفتار تقریباً مشابهی دارند. همچنین نتایج مدل دلالت بر این دارد که با افزایش درآمدهای پدر و مادر احتمال حضور کودک در مدرسه بیشتر خواهد شد. «مجموع ساعات کار پدر» در هفته، نیز در مدل‌های مختلف این پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفت و بر اساس یافته‌ها «مجموع ساعات کار پدر» با احتمال کار کودکان، تعداد کودکان کار در یک خانواده و نیز ساعات کار یک کودک دارای همبستگی منفی می‌باشد؛ لذا با افزایش ساعات کار پدر، کار کودک کاهش خواهد یافت. این پژوهش همانند بسیاری از محققان که پیش‌تر در این زمینه مطالعه نمودند مانند مندلوویچ (۱۹۷۹)، ساینو (۲۰۰۱)، چادوری (۲۰۰۲)، ادموندز (۲۰۱۰)، چای‌والا (۲۰۱۰)، لیتن (۲۰۰۳)، کروگر (۱۹۹۶) مشاهده شد که انگیزه درآمدی یا همان «فقر» یک عامل اساسی و غیرقابل انکار در تصمیم به کار کودکان می‌باشد؛ چرا که متغیرهای «مجموع درآمدهای پدر» و «مجموع درآمدهای مادر» در بسیاری از حالت‌های مدل مورد مطالعه معنی‌دار و دارای همبستگی منفی با کار کودکان می‌باشد.

منابع

الف - فارسی

۱. دو هفته نامه فرهنگ و پژوهش؛ اردیبهشت ماه، ۱۳۸۲، شماره ۱۰۸.
۲. مرکز آمار ایران؛ نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۸۸.
۳. مرکز آمار ایران؛ نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، پایگاه اطلاعات مرکز ملی آمار (درگاه ملی آمار)، ۱۳۸۸.

ب - لاتین

4. Aghion, P. Caroli, E. and Garcia-Penalosa C; 1999, "Inequality and Economic Growth: The Perspective of the New Growth Theories", in Journal of Economic Literature, Vol. 37, pp. 1615-1660.
5. Anker, R. and Mekas B; 1996, "Economic Incentives for children and families to eliminate or reduce child labor", International Labor Office, Geneva.
6. Bachman, S. L; 2000a, "New Economics of Child Labor: Searching for Answers Behind the Headlines", in Journal of International Affairs, Vol. 53, No. 2 (spring), pp. 545-572.
7. Basu, Kaushik and Phang H. Van; 1998, "The Economics of Child Labor", American Economic Review, vol. 88, No. 3, (June) pp. 412-427.
8. Basu, Kaushik and Ranjan Ray; 2001, "The Collective Model of the Household and an Unexpected Implication for Child Labor:

- Hypothesis and an Empirical Test**", Working Paper 2813. Washington, D.C: The World Bank.
9. Benabou, R; 1996, "**Inequality and Growth**", in NBER Working Paper, No. 5658 (July).
 10. Bhalotra Sonia and Heady Chirist; 2000, "**Child Farm Labour: Theory and Evidence**", Development Economics Discussion Paper, LSE STICERD Research, No. DEDPS 24.
 11. Bourguignon, Francois and Pierre-Andre Chiappori; 1994, *The Collective Approach the Household Behavior*, In Richard Bludell, Ian Preston, and Ian Walker, eds., the Measurement of Household Welfare. U.K: Cambridge University Press.
 12. Chaudhri, D.P. and Wilso, E. J; 2002, "**Nutritional Poverty, School Education and Supply of Child Labour: Explorations with States, Districts and Household Data for Rural India**". Ramachandran and Massün, eds. 113-42.
 13. Chiwaula, L; 2010, "**Household Poverty and Child Labor Decisions in Malawi**", Research in Labor Economics 31, pp. 33-51.
 14. Cigno, A. F. C. Rosati, and Z. Tzannatos; 2000, "**Child Labor, Nutrition and Education in Rural India: an Economic Analysis of Parental Choice and Policy Options**", World Bank Working Paper.
 15. Cigno, Alessandro, Furio, C. Rosati and Zafiris, Tzannatos; 2001, *Child Labor Handbook*, Washington: The World Bank, manuscript.
 16. Dayioglu, Meltem and Assa, Ragui; 2002, "**The Determinants of Child Labour in Urba Turkey**", ERF Working Paper Series No. 0302.
 17. Diamond, Charles and Tammy, Fayed; 1998, "**Evidence on Substitutability of Adult and Child Labour**", The Journal of Development Studies, vol. 34, No. 3 (February), pp. 62-70.
 18. Edmonds, Eric and Carrie Turk; 2002, "**Child Labor in Transition in Vietnam**", Working Paper 2774, February. Washington, D. C: The World Bank.
 19. Edmonds, Eric V. and Schady, Norbert; 2010, "**Poverty Alleviation and Child Labor**", August 24.
 20. Emerson, Patrick M. and André Portela Souza; 2002, "**Birth Order, Child Labor and School Attendance in Brazil**". Manuscript, (May).
 21. Eswaran, M; 2001, "**The Empowerment of Women, Fertility, and Child Mortality**", Journal of Population Economics (forthcoming).
 22. Folbre, N; 1986, "**Hearts and Spades: Paradigms of Household Economics**", WorldDevelopment 14, 245-255.
 23. Francavilla, Francesca. And Giannelli, Gianna Claudia; 2007, "**The Relation between Child Labour and Mothers' Work: The Case of India**", IZA Discussion Paper No. 3099, October, Germany.

24. Fyfe, Alice; 1989, *Child Labour*, Polity Press. New York.
25. _____ ; 1993, *Child Labour: A Guide to Project Design*, Geneva International Labour Office.
26. Galli, Rossana; 2001, "The Economic Impact of Child Labour" University of Lugano, Switzerland, Decent Work Research Programme, <http://www.ilo.org/inst>.
27. Haddad, L. and J. Hoddinott; 1994, "Women's Income and Boy-Girl Anthropometric Status in Cote d'Ivoire", *World Development* 22, 543-553.
28. Hoddinott, J. and L. Haddad; 1995, "Does Female Income Share Influence Household Expenditures? Evidence from Cote d'Ivoire" *Oxford Bulletin of Economics and Statistics* 57, 77-96.
29. ILO; 1996, "Child Labour: Targeting the Intdeable", Geneva: International Labour Office, P.405.
30. International Labour Organization (ILO); 2006, "The end of child labour: Within reach", Geneva.
31. Jacoby, Hanan G. and Emmanuel Skoufias; 1997, "Risk, Financial Markets, and Human Capital in a Developing Country", *Review of Economic Studies*, vol. 64, No. 3, pp. 311-335.
32. Kanbur, R. and Haddad, L; 1994, "Are Better-off Households more Equa l or Less Equal?", *Oxford Economic Papers*, vol. 46, pp. 445-458.
33. Khanam, Rasheda; 2006, "Child labour and school attendance: evidence from Bangladesh", MPRA Paper No. 6990.
34. Krueger, Alan B; 1996, "Observations on International Standards and Trade", NBER Working Paper No. 5632, Cambridge, MA: National Bureau of Economic Research, pp. 24-25.
35. Lieten, G.K; 2003, "The Causes for Child Labour in India: the Poverty Analysis", *Indian Journal of Labour*.
36. Manser, M. and M. Brown; 1980, "Marriage and Household Decision Making: a Bargaining Analysis", *International Economic Review* 21, 31-44.
37. Marshall, A; 1920, "Principles of Political Economy", London: MacMillan, 8th Edition.
38. Marx, Karl, 1867; *Capital: A Critique of Political Economy*.
39. Mendelvich Elias; 1979, "Child Labour", *International Labour Review*, Vol. 118, No. 5.
40. Mochling, Carolyn; 1995, "The Intrahousehold Allocation of Resources and theParticipation of Children in Household Decision-Making: Evidence from Early Twentieth Century America", Northwestern University, mimeo.
41. Parsons, Donald O. and Claudia Goldin; 1989, "Parental Altruism and Self-Interest: Child Labor Among Late Nineteenth-Century American Families", *Economic Inquiry*, vol. 27, No. 4, October, pp. 637-659.

42. Patrinos, Harry Anthony and Psacharopoulos, eorge; 1997, "**Family size, schooling and child labor in Peru-An empirical analysis**", Journal of Population Economics (springer).
43. Pörtner, Claus Chr; 2001a, "**Children's Time Allocation in the Laguna Province, thePhilippines**", The World Bank (September).
44. Ranjan, Priya; 2001, "Credit Constraints and the Phenomenon of Child Labor", Journal of Development Economics, vol. 64, issue 1, pp. 81-102.
45. Ray, Ranjan; 1999, "**How Child Labour and Child Schooling Interact with Adult Labour**", Working Paper 2179, (September). Washington, D.C: The World Bank.
46. Robles-Vásquez, Héctor and David G, Abler; 2000, "**Education and Labor ForceParticipation by Mexican Children during Structural Adjustment: A MicroeconomicAnalysis**", Working Paper 00-05. University Park, PN: Population Research Institute (April).
47. Rodgers, Gery and Standing; 1981, "**Economic Roles of Children in Low-Incom Countries**", International Labour Review, Vol. 120. No. 1.
48. Rogers, Carol and Swinnerton, Kenneth; 2003, "**Does Child Labor Decrease When Parental Incomes Rise?**", Journal of Political Economy. Forthcoming.
49. Rosati, F. C and Tzannatos Z; 2000, "**Child Labor in Viet Nam: An EconomicAnalysis**", World Bank Working Paper: Washington DC.
50. Rosenzweig, M. R. and R. E. Evensson; 1977, "Fertility, Schooling, and the Economic Contribution of Children in Rural India: An Econometric Analysis", Econometrica, vol. 45, No. 5, pp. 1065-1079.
51. Skoufias, Emmanuel; 1995, "**Household Resources, Transactions Costs, and Adjustment through Land Tenancy**", Land Economics, vol.71, No. 1, pp. 42-56.
52. UNESCO Institute for Statistics (UIS); 2005, "**Children out of school: Measuring exclusion fromprimary education**", Montreal.
53. United Nations; 2007, "**The millennium development goals report 2007**", New York.